

نگاهی به آفریده‌های شعری شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا

«اشعار فارسی»

دکتر سید احمد امام‌زاده*

استادیار دانشگاه تربیت معلم

محمد حسین مجدم

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

در این مقاله، بر آنیم تا توانایی شگرف ابن سینا را در زمینه‌ی شعری بیان کنیم. شک نیست که شهرت و اهمیت ابوعلی سینا در حکمت و طب، است. اما وی علاوه بر موضوعات یاد شده که توانایی‌هایی در حد نبوغ و اعجاز دارد، چند قصیده عربی داشته که در زمان حیات وی نیز معروف بوده و در آثار او در رساله سرگذشت ابن سینا توسط شاگردش جوزجانی به آن‌ها اشاره شده است.

چگونگی و محتوای اشعار فارسی ابن سینا نیز با توجه به معاصر بودن وی با رباعی سرایای معروف چون شیخ ابوسعید ابوالخیر و در قرن بعد خیام نیشابوری رباعیات فارسی ابن سینا با رباعیات آن دو بزرگوار خلط شده است. هیچ یک از پژوهندگانی که درباره‌ی اشعار فارسی ابن سینا به پژوهش پرداخته‌اند، موفق نشده‌اند به اندازه‌ی کافی دلیل و برهان بیاورند که انتساب این اشعار را به ابن سینا نسبت دهند. در عین حال، نتوانسته‌اند که ثابت کنند که این اشعار با جهان بینی وی تناقض دارد. و سرانجام به این نتیجه رسیده‌اند که این ابیات با جهان بینی وی تناقض ندارد. و تصادفی نیست که همه‌ی این واقعیت هستند که این اشعار به نحوی نیز به خیام وابسته می‌شود.

ابوعلی سینا نه تنها در علوم و فلسفه، منطق و طب و الهیات دارای مقامی شامخ و برجسته است؛ بلکه در ابیات نیز مقامی بلند را داراست و آثار ارزشمندی از او باقی مانده است. با وجود آنکه در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم انشای کتب و آثار علمی به زبان فارسی در چندین معمول نبوده و علما و دانشمندان به ندرت آثار علمی و ادبی را به زبان مادری خود انشا می‌نمودند ولی شیخ‌الرئیس آثار علمی و ادبی را به زبان مادری خود انشا نموده و هم اشعاری به این زبان سروده است. با این وجود، با استناد به نامه‌ی دانشوران، مجمع الفصحا، ریاض العارفین هدایت، مجالس المؤمنین، قاضی نور الله شوشتری، آتشکده آذر، کشکول شیخ بهایی و تذکره محمد صادق ناظم تبریزی منشی رباعی که به نام ابوعلی شهرت یافته‌اند بیان می‌کند. اما باز نمی‌توان به قطع و یقین درباره‌ی آن‌ها قضاوت کرد؛ زیرا برخی از آن‌ها در ردیف رباعیات خیام و رباعیات منسوب به ابوسعید ابوالخیر نیز ذکر شده‌اند.

در هر حال، کل رباعیاتی که ابن سینا نسبت داده است، برابر پنج مأخذی که در اختیار نگارندگان این مقاله بوده، بیست رباعی است که در پایان مقاله کامل ذکر شده‌اند.

مقدمه:

یکی از جنبه های مهم شخصیت ابن سینا که در سایه شهرت و اهمیّت او در حکمت و طب از نظر پنهان مانده، توانایی شگرف او در شاعری و سخنوری است. علاوه بر قصیده عینیه و قصیده الجمانه الاهیة فی التوحید و قصیده مزدوجه در منطق و چند ارجوزه در طب و موضوعات دیگر شیخ اشعاری داشته است که در زمان حیات او معروف بوده و در آثار او در رساله سرگذشت ابن سینا توسط شاگردش جوز جانی به آنها اشاره شده است.

از نمونه هایی که ابن ابی اصیبعه، از اشعار ابن سینا، در ضمن شرح حال او نقل کرده است، به چگونگی اسلوب سخن منظوم او می توان پی برد. در این منقولات موضوعات شعر او بیشتر حکمت و اخلاق و اندرز است و چند قطعه خمریه مانند نیز در میان آنها دیده می شود. شعر او گر چه کلاً در بیان افکار فلسفی اوست، ولی غالباً از مضامین بدیع و لطیف خالی نیست و مطلع خمریه معروف ((ابن فارض)) گویی در صورت و مضمون و معنی از این بیت ابن سینا که در وصف شراب قدیم سروده، وام گرفته است:

شربنا علی الصوت القديم قدیمه لکلّ قدیم اول هی اول

کلام شیخ در هر دو مورد نظم و نثر متین و استوار است و از قدرت و تسلط او بر زبان عربی حکایت می کند. (۱) پرفسور ا.ا. برتلس، استاد زبان شناسی و متخصص در زبان فارسی و عضو آکادمی علوم شوروی (سابق) که در جشن هزاره ابن سینا، سمت ریاست هیئت نمایندگی کشورش را داشت در خطابه ای راجع به ((رباعیات ابن سینا)) چنین اظهار نظر کرد:

ایران شناس معروف گ. ا. ته در سال ۱۸۷۵ میلادی، ترجمه سیزده رباعی و یک قطعه و دو غزل منسوب به ابن سینا را منتشر ساخت. مورخین ادبیات این اثر ایران شناس را به مثابه یک اثر بنیادی تلقی کردند و در مقالات و مجموعه های خود بدون هیچگونه تضادی از آن نقل نموده اند.

خود پرفسور برتلس، مقاله ای تحت عنوان ((ابن سینا و ادبیات فارسی)) انتشار داد و در آن قصدش این بود که به این پرسش پاسخ گوید که این اشعار را تا چه حد می توان اصیل و موفق شمرد.

صدر الدین عینی در مجموعه خود موسوم به ((نمونه های ادبیات تاجیک)) پنج رباعی و یک غزل از ابن سینا مندرج ساخت. مولف در مجموعه خود متذکر نشده بود که این اشعار را از کدام منبع گرفته است. همچنین همین مولف در رساله ای به نام ((شیخ الرئیس ابو علی سینا)) چهار رباعی دیگر را بدون ذکر مأخذ به ابن سینا نسبت داده است. (۱۹۴۱) پرفسور آ.ا. سمونف در اثر خود موسوم به ((ابو علی سینا)) چنین نوشت:

طبیعتاً این مسئله پیش آمد که آیا این رباعیات یا لا اقل برخی از آنها تا چه حد اصیل و موفقند و تا چه حد مشحون از آنها جهان بینی است که در آثار فلسفی ابن سینا منعکس است؟... زیرا بسیاری از این رباعیات از قبیل رباعیاتی است که سراینده اش معلوم نیست و برخی از آنها را به عمر خیام نسبت می دهند که باربعیات منسوب به ابن سینا شباهت دارد... بهر حال رباعیاتی که به دست ما رسیده منسوب به ابن سینا و متضمن نکاتی از جهان بینی اوست و لذا حق نداریم تصنیف آنها را از جانب ابن سینا متذکر شویم.

م. زند کارمند علمی فرهنگستان علوم شوروی (سابق) تاجیکستان در سال ۱۹۵۳ مجموعه ای نشر داد تحت عنوان ((ابو علی سینا)) مجموعه شعرهای کتاب نامبرده متضمن مقدمه ای است که تحلیل این اشعار را به دست می دهد. سپس در متن کتاب دو غزل و یک قطعه و هیچده رباعی و یک فرد چاپ شده است. بخش دوم کتاب مربوط به اشعار عربی ابن سیناست... ناشر می گوید که ثابت کند مضمون رباعیات با جهان بینی ابن سینا تناقض ندارد ولی ناچار در حواشی توضیح می دهد که بخش عمده این رباعیات و با برخی اختلاف نسخ در مجموعه رباعیات منتسب به خیام دیده می شود.

جالب توجه است که تقریباً هر پژوهنده جدی به نحوی مجبور است درباره این شباهت غور و بررسی کند. م. زند نتوانست دلیل و برهان استوار دیگری به وثوق و اصالت رباعیات اقامه کند...

و خلاصه این که هیچ یک از پژوهندگان موفق نشدند برهانی به اندازه کافی متین درباره تعلق این اشعار به ابوعلی بیابند. همه برهانه‌ها بدانجا منجر می‌شود که این رباعیات با جهان بینی ابوعلی سینا تضادی ندارد ولی آخر با جهان بینی خیام نیز تناقض ندارد و تصادفی نیست که همه متوجه این واقعیت هستند که این اشعار به نحوی به خیام نیز وابسته می‌شود. (۲)

آقای عبد الغفور برشنا وابسته فرهنگی سفارت کبرای افغانستان در ایران درباره رباعیات ابن سینا خطابه ای ایراد نمود که ما حاصل این خطابه چنین است:

ابو علی سینا نه تنها در علوم و فلسفه، منطق، طب و الهیات حائز مقام شامخ و برجسته است بلکه در ادبیات نیز مقامی بلند را داراست و آثار ارزشمندی از او باقی مانده است. با وجود آنکه در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم انشاء کتب و آثار علمی به زبان فارسی دری چندان معمول نبود و کمتر علما و دانشمندان آثار علمی و ادبی خود را به این زبان نشر می نمودند ولی شیخ الرئیس آثار علمی و ادبی به زبان مادری خود انشاء نموده وهم اشعاری به این زبان سروده که از هر حیث دارای ارزش ادبی است و سرمشق ادبای بعدی بوده است نامبرده با استناد به نامه دانشوران، مجمع الفصحا، ریاض العارفین هدایت، مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، آتشکده آذر، کشکول شیخ بهایی و تذکره محمد صادق ناظم تبریزی شش رباعی که به اسم ابوعلی شهرت یافته اند بیان می کند اما اظهار می دارد که نمی توان به قطع و یقین درباره آن ها قضاوت کرد زیرا برخی از این رباعیات در ردیف رباعیات خیام و رباعیات منسوب به ابو سعید ابوالخیر نیز ذکر شده اند. (۳) (این رباعیات در آخر مقاله بیان شده اند)

(۱) -دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد چهارم، مدخل ابن سینا

(۲) - جشن نامه ابن سینا، مجلد دوم (یادگار جشن هزاره ابن سینا) انتشارات انجمن آثار ملی ۱۳۳۴ شمسی، مقاله "رباعیات ابن سینا" پرفسور برتلس صص ۳-۹.

(۳) - همان، مقاله بحث درباره رباعیات ابن سینا، عبد الغفور برشنا، صص ۲۹-۳۱

مجموعه رباعیات منسوب به ابن سینا

- ۱- آتش چو فکند باد در خرمن گل
ای ساقی می دست تو و دامن من
بر خاک چکید آب پیراهن گل
وی دختر رز خون تو در گردن گل
- استاد سعید نفیسی بعید می داند که این رباعی از ابن سینا باشد و احتمال می دهد که کاتب نسخه فراموش کرده است نام گوینده را ذکر نماید. و می نویسد این رباعی در سفینه ای متعلق به ملک الشعراء بهار است که در قرن هفتم گرد آمده است و اشعار بسیاری دارد که در کتاب های دیگران نتوان یافت و به نام ابن سینا ثبت شده است. (۱)
- این رباعی در خطا به آقای برشنا نماینده افغانستان ذکر شده است (۲)
- ۲- از قعر گل سیاه تا اوج زحل
بیرون جستم ز قید هر مکر و حیل
کردم همه مشکلات گیتی را حل
هر بند گشاده شد مگر بند اجل
- این رباعی هم از سخنان معروف منسوب به اوست و در ریاض العارفین، مجمع الفصحا صبح گلشن و مقدمه دانش نامه ثبت شده و آنرا نیز به عمر خیام نسبت داده اند (۴)
- این رباعی در خطا به برشنا نیز آمده است (۵)
- ۳- ای دل همه جا بر عاشقی نوش چو گل
چون شمع زبان آتشین دارد عشق
پیوسته لباس عاشقی پوش چو گل
زنهار مباش پنبه در گوش چو گل
- استاد سعید نفیسی این رباعی را نیز متعلق به سفینه ملک الشعراء بهار می داند که در قرن هفتم فراهم آمده است (۶)
- این رباعی در سایر مآخذ مشاهده نشد.
- ۴- ای کاش بدانمی که من کیستمی
گر مقبلم آسوده و خوش زیستمی
سرگشته عالم از پی چیستمی
و رنه بهر زار دیده بگریستمی
- این رباعی در مجمع الفصحا، ریاض العارفین، گلزار معرفت و مقدمه دانش نامه چاپ طهران، منسوب به ابن سینا است. (۷)
- همچنین این رباعی در جشن نامه ابن سینا ذکر شده است. (۸)
- و مظفر سربازی در کتاب زندگی ابو علی سینا نیز آن را آورده است.
- ۵- بایک دو سه نادان که چنین می دانند
خر باش که این جماعت از فرط خری
از حمق که دانای جهان آناند
هر کو نه خر است کافرش می خوانند
- استاد سعید نفیسی می نویسد که این رباعی در مجمع الفصحا و ریاض العارفین به نام ابن سینا آمده است و در ضمن به عمر خیام نیز منسوب است. (۹)
- ۶- بگسست فلک چو عقد دانه صبح (۱۰)
او نیز چومن اسیر و شیدا گشته
چون در خوشاب کرد پیمان صبح
کای عاشق شامگاه و دیوانه صبح
- استاد نفیسی این رباعی از سفینه متعلق به ملک الشعراء بهار نیز ذکر کرده است و در سایر مآخذ این رباعی دیده نشد.
- ۷- بر صفحه چهره ها خط لم یزلی
یک لام و دو عین با دو یای معکوس
معکوس نوشته است نام دو علی
از حاجب وائف و عین با خط جلی (۱۱)
- استاد سعید نفیسی تردید بسیار دارد که این رباعی از ابن سینا باشد. اما در لغت نامه دهخدا و کتاب ابن سینا، محمد کاظم طریحی این رباعی ذکر شده است (۱۲)
- ۸- بنگر به جهان چه طرف بر بستم هیچ
وز حاصل ایام در دستم هیچ

شمع طربم گیر چو بنشستم هیچ خود جام جرم گیر چو بشکستم هیچ
این رباعی در جشن نامه به ابن سینا آمده است اما در مقاله های سعید نفیسی ذکر نشده است.
در سایر مآخذ نیز مشاهده نشد.

۹- تا باده عشق در قدح ریخته اند وندر (۱۳) پی عشق عاشق انگیخته اند
با جان و روان بوعلی مهر علی چون شیر و شکر به هم آمیخته اند (۱۴)
این رباعی در ریاض العارفین به نام ابن سینا ثبت شده است. (نفیسی-همان)

۱۰- در پرده سخن نماند که معلوم نشد کم ماند ز اسرار که مفهوم نشد
در معرفت چو نیک فکری کردم معلوم بشد که هیچ معلوم نشد (۱۵)
این رباعی در مقاله سعید نفیسی و برشانیامده است. همچنین در سایر مآخذ مشاهده نشده است.

۱۱- دل گرچه در این بادیه بسیار شتافت یک موی ندانست ولی موی شکافت
اندر دل من هزار خورشید بتافت آخر به کمال ذره ای راه نیافت

این رباعی در مجمع الفصحا و ریاض العارفین مرحوم هدایت و مقدمه دانش نامه و در کتاب گلزار معرفت تألیف حسین آزاد
تبریزی به نام ابن سینا آمده است (سعید نفیسی) همچنین در خطابه عبدالغفور برشنا در جشن نامه ابن سینا قرائت شده است
و نیز در زندگی ابو علی سینا، مظفر سربازی

۱۲- رفت آن گهری که بود پیرایه عمر و آورد زمانه طاق سرمایه عمر
از موی سپیدم سر پستان امید بنگر که سیاه می کند دایه عمر

آقای سعید نفیسی درباره این رباعی نوشته است:

در سفینه ای به شکل بیاض که تاریخ غره ذی عقده سنه احدی و خمسین و ستمائه (۶۵۱) دارد و متعلق به آقای جلال همایی
است، این رباعی به اسم ابن سینا ثبت شده چون این سفینه قدیم ترین مأخذی است که از اشعار فارسی او داریم، این رباعی
از ابیات دیگر معتبر تر است.

این رباعی در دیگر مآخذ مشاهده نشد.

۱۳- زلف تو چو افعی پی شرمی گردد دانی پس پشتت ز چه بر می گردد
چون دید که لعل تو زمرد دارد افعی شد و در کوه و کمر می گردد

این رباعی تنها در کتاب ((ابن سینا)) محمد کاظم طریحی مشاهده شد. در سایر مآخذ مشاهده نگردید.

۱۴- عشاق بر آمدند پیرامن گل یکباره دست بر دامن گل
وز بس که همی کشید پیراهن گل آنکه بهزار شاخ شد بر تن گل

استاد سعید نفیسی در این باره می نویسد. که این رباعی مربوط است به سفینه ای متعلق به ملک الشعرا بهار.
این رباعی در سایر مآخذ مشاهده نشد.

۱۵- کفر چو منی گزاف و آسان نبود محکمر از ایمان من ایمان نبود
در دهر یکی چو من و آن هم کافر (۱۶) پس در همه دهر یکی مسلمان نبود

این رباعی معروف ترین سخن منظومی است که به ابن سینا نسبت داده اند و در تذکره هفت اقلیم و ریاض العارفین و مجمع
الفصحا و شرح دیوان حضرت امیر تألیف حسین میدی و کشکول (چاپ حاج نجم الدوله) و مقدمه دانش نامه و صبح گلشن
سید علی حسنخان ثبت

آمده است و با این همه به عمر خیام نیز منسوب است و هم در دیوان شاه نعمت الله ولی عارف مشهور ایران جزو اشعار او
ثبت است. (نفیسی - مجله مهر)

قاضی نور الله آورده است بیشتر از آن مردم که شیخ را نسبت به کفر داده اند، فقهای سنت و اهل جماعت بودند و شیخ این رباعی را در آن باب فرموده است. (به نقل از لغت نامه دهخدا)

۱۶- کو دل که بداند نفسی زاسرارش کو گوش که بشنود دمی گفتارش

معشوق جمال می نماید شب و روز کو دیده که تا بر خورد از دیدارش (۱۷)

این رباعی در مقاله های استاد سعید نفیسی و برشنا نیامده است. در سایر مآخذ نیز مشاهده نشده است.

۱۷- مائیم به عفو تو تولا کرده وز طاعت و معصیت تبراً کرده

آنجا که عنایت تو باشد، باشد ناکرده چو کرده، کرده چون ناکرده

این رباعی در تذکره هفت اقلیم و گلزار معرفت و در سفینه متعلق به آقای اقبال به نام وی ثبت شده و آن نیز منسوب به عمر خیام است. در میان اشعاری که به ابو سعید ابوالخیر عارف مشهور معاصر ابن سینا منسوب است این رباعی به همین وزن و قافیه دیده می شود.

ای نیک نکرده و بدی ها کرده وانگه به خلاص خود تمنا کرده

بر عفو مکن تکیه که هرگز نبود نا کرده چو کرده، کرده چون ناکرده (۱۸)

و پیداست که این رباعی دوم تعریض و جواب آن رباعی نخستین است ولی ابن سینا و ابوسعید ابوالخیر بایکدیگر روابط نیکو داشته اند و یکدیگر را حرمت می گذاشتند و حتی از هم دیدار کرده اند و مکاتیبی در حل مسایل حکمت در میان ایشان رد و بدل شده که معروف است و شمه ای از روابط ایشان در کتاب اسرار التوحید ثبت شده و قبول و حرمتی که در میان ایشان بوده به درجه ای رسیده است که گویند چون ابن سینا از مجلس ابو سعید رفت از او پرسیدند که وی را چگونه یافتی گفت آنچه من می بینم او داند و از ابن سینا پرسیدند گفت آنچه من می دانم او می بیند. با این حال چگونه ممکن است ابوسعید چنین تعریفی درباره ابن سینا سروده باشد. مگر آنکه رباعی اول از ابن سینا نباشد یا آنکه رباعی دوم از ابوسعید نباشد و چنان که بیشتر احتمال می رود که هیچ یک از این دو رباعی از این دو مرد بزرگ نباشد. (۱۹)

این رباعی در کتاب الخلیلی و طریحی و مقاله برشنا ذکر شده است.

۱۸- مائیم نهفته گریه در خنده چو گل مرده بدمی واز دمی زنده چو گل

خود را به همه میان در افکنده چو گل و اندر همه مجمعی پراکنده چو گل

استاد نفیسی این رباعی فوق را از سفینه متعلق به بهار می داند.

این رباعی در سایر مآخذ مشاهده نشده است

۱۹- می حاصل عمر جاودانی است بده سرمایه لذت جوانی است بده

سوزنده چو آتش است لیکن غم را سازنده چو آب زندگانی است بده

این رباعی در سفینه ای به نام ابن سیناست و در ضمن به عمر خیام نیز منسوب است. (سعید نفیسی، همان)

این رباعی در سایر مآخذ مشاهده نشده است.

۲۰- یک یک هنرم بین و ده ده بخش جرم من خسته حسب لاله بخش

از باد فنا آتش کین بر مفروز ما را به سر خاک رسول الله بخش

این رباعی را نیز شیخ بهایی در کشکول به نام ابن سینا آورده است و هم آن را به عمر خیام نسبت داده اند (سعید نفیسی)

این رباعی در سایر مآخذ مشاهده نشده است.

نتیجه گیری از مجموعه رباعیات منسوب به ابن سینا

کل رباعیاتی که به ابن سینا نسبت داده است برابر با پنج مأخذی که در اختیار نگارندگان این مقاله بوده بیست رباعی است. از این بیست رباعی شانزده رباعی را روان شاد سعید نفیسی در مقاله اشعار فارسی ابن سینا در مجله مهر آورده است. چهار رباعی دیگر از سایر مأخذ ذکر گردیده است:

۱- رباعی شماره ۸ تنها در مقاله آقای برشنا در جشن ابن سینا ذکر شده است:

بنگر به جهان چه طرف بر بستم هیچ وز حاصل ایام چه درد ستم هیچ
شمع طربم گیر چو بنشستم هیچ خود جام جمم گیر چو بشکستم هیچ

آقای برشنا مأخذ رباعی فوق را به طور قطعی ذکر نکرده است بلکه به طور کلی بیان داشته است. که تمامی شش رباعی را که در ((اغلب کتب سفینه و جنگها)) آمده است قرائت می شود.

۲- رباعی های شماره ۱۰ و ۱۳ تنها در کتاب ((ابن سینا)) از محمد کاظم طریحی ذکر شده است و در دیگر مأخذ نیست.

در پرده سخن نماند که معلوم نشد کم ماند زاسرار که مفهوم نشد
در معرفتت چو نیک فکری کردم معلوم بشد که هیچ معلوم نشد

xxx

زلف تو چو افعی پی شرمی گردد دانی پس پشتت ز چه برمیگردد
چون دید که لعل تو زمرد دارد افعی شد و در کوه کمر می گردد

در کتاب ((ابن سینا)) محمد کاظم طریحی هفت رباعی مشاهده گردید.

۳- رباعی شماره شانزده فقط در کتاب ((زندگانی ابن سینا)) از مظفر سربازی مشاهده گردید.

کو دل که بداند نفسی (ز) اسرارش کو گوش که بشنود دمی گفتارش
معشوق جمال نماید شب و روز کو دیده که تا بر خورد از دیدارش

از مظفر سربازی تنها چهار رباعی ذکر کرده است

۴- در کتاب ((معجم ادباء الاطبا)) محمد خلیلی تنها سه رباعی نقل شده است.

پاورقی ها:

- ۱- سعید نفیسی، آثار فارسی ابن سینا، مجله مهر
- ۲- جشن نامه ابن سینا، خطابه آقای برشنا
- ۳- در معجم الادباء الاطباء ، محمدخلیلی و کتاب ابن سینا از محمد کاظم طریحی، مصرع دوم بیت دوم به شکل زیر آمده است:
(صد بند گشاده شد مگر بند اجل)
- ۴- سعید نفیسی ، همان
- ۵- جشن نامه ابن سینا، همان
- ۶- سعید نفیسی، همان
- ۷- سعید نفیسی، همان
- ۸- جشن نامه ابن سینا همان
- ۹- سعید نفیسی ، همان
- ۱۰- در اصل ((عقد در بسته)) بوده و برای رعایت معنی و قافیه، آقای سعید نفیسی آن را بدین گونه اصلاح کرد.
- ۱۱- در کتاب "ابن سینا" محمد کاظم طریحی مصرع دوم بیت دوم چنین آورده است:
(از حاجب عین انف با خط جلی)
- ۱۲- طریحی ، محمد کاظم، همان
- ۱۳- در کتاب کاظم طریحی (ص ۹۴) ومظفر سربازی مصرع دوم بیت او به این شکل ضبط شده است:
(وندر پس عشق عاشق انگیخته اند.)
- ۱۴- مصرع دوم بیت دوم به این شکل ضبط شده است: ((چون شیروشکر به هم در آمیخته اند)) "همان"
- ۱۵- طریحی، محمد کاظم، ابن سینا
- ۱۶- در مآخذ عربی، الخلیلی در معجم ادباء ، وطریحی در (ابن سینا) مصرع سوم این رباعی به این شکل ضبط است:
"در دهریکی چو من و من هم کافر"
ترجمه عربی: کفر مثلی لم یکن سهلا وما
انا فرد الدهر ان اکفر فلا
من یقین کیفینی احکاما
احد فی الدهر یدعی مسلما
(ص ۱۲۸ کتاب معجم ادباء الاطباء)
- ۱۷- این رباعی از کتاب زندگی ابو علی سینا، مظفر سربازی ص ۲۱۸ ضبط گردید.
- ۱۸- ترجمه عربی: عصیت و لم تعمل اصالحات
فمل عفو مستند الخاطئین
و رحمت تمنی لک المخلصا
ولیس المطیع کمن قد عصا
ص ۱۲۸ کتاب معجم ادباء الاطباء
- ۱۹- سعید نفیسی، مجله مهر

فهرست منابع و مراجع

- ابن ابی اصیبعه، احمد بن ابی القاسم، *عیون الانبیا فی طبقات الاطباء*، بیروت، ۱۹۶۵م
خلیلی، محمد، *معجم ادباء الاطباء*، النجف، مطبعة الغری، ۱۹۴۷م
سربازی، مظفر، *زندگی ابن سینا*، شرکت توسعه کتابخانه های ایران، ۱۳۷۴ش

صفا، ذبیح الله، جشن نامه ابن سینا، تهران، انجمن آثار ملی ۱۳۳۴ش
طریحی، محمد کاظم، ابن سینا، النجف، مطبعه الزهراء، ۱۹۴۹م
موسوی بجنوردی، کاظم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد چهارم
نفیسی، سعید، مجله مهر (اشعار فارسی ابن سینا) ۱۳۱۶ش